

چند نما از زندگی نوجوانان کارآفرین

مغز گنده‌ها!

شما وقتی بی‌کار می‌شوید چه کار می‌کنید؟ اصلاً به چه چیزی فکر می‌کنید؟ لابد می‌نشینید و به سقف زل می‌زنید و در افق‌ها محو می‌شوید. اما می‌دانید نوجوان‌های موفق این جور وقت‌ها چه کار می‌کنند؟ بد نیست داستان موفقیت این چند نوجوان کارآفرین را بخوانید و ببینید واقعا کجای کارتان ایراد دارد، بعد هم شاید به خودتان بیایید و یک فکرهای طلایی در ذهن‌تان جرقه بزنند و به جایی برسید که چند وقت بعد عکس شما را در کوله‌پشتی به عنوان یک نوجوان کارآفرین موفق چاپ کنیم.



از بیلزنی تا سرمایه‌داری

"سارا گرین" فقط ۱۲ سالش بود که کار کردن را شروع کرد. او با پخش کردن روزنامه در محل هر روز چند سکه‌ی کوچک مزد می‌گرفت. اما همه‌ی داستان به همین جا ختم نمی‌شود. سارا وقتی روزنامه‌ها را به در خانه‌ها می‌برد فهمید بیش‌تر ساکنان محله‌شان افراد سالمندی هستند که توانایی رسیدگی به حیاط و باغچه‌های‌شان را ندارند. او با روزنامه‌بازهایش آگهی درست کرد و در همان هفته‌ی اول توانست مسئولین چمن‌زنی تعداد زیادی از خانه‌ها را به صورت هفتگی به عهده بگیرد. ۵۰ دلار حقوق در هفته برای یک دختر دوازده ساله پول کمی نبود و همین باعث شد که با پس‌اندازهایش یک شرکت بزرگ فروش لوازم خانگی تاسیس کند. سارا در ۱۸ سالگی به عنوان یکی از ثروتمندترین کارآفرینان دنیا معرفی شد.



قهرمانی از سرزمین پاگنده‌ها

"الیور بریج" وقتی ۱۷ ساله بود و هنوز در حال رشد، با مشکل بزرگی روبه‌رو شد. پاهای او انقدر بزرگ بود که باید همه‌ی شهر را برای پیدا کردن کفشی که اندازه‌اش باشد زیر پا می‌گذاشت. اما او این مساله را یک مشکل به حساب نیاورد. بلکه با یک فکر بکر فروشگاه کفش‌های بزرگ را راه‌اندازی کرد. با تمام تولیدی‌های کفش کشورش تماس گرفت و نمایندگی فروش بزرگ‌ترین کفش‌های‌شان را گرفت. هنوز نیم ساعت از راه‌اندازی فروشگاه نگذشته بود که اولین سفارشش را گرفت و بعد از آن انقدر کارش رونق گرفت تا این‌که به یک میلیونر بزرگ تبدیل شد.



دستمال بیار، قایق ببر

"جیک لون" حتی پا را از بقیه هم فراتر گذاشت، برای این‌که کار را نه از دوران نوجوانی، که از کودکی شروع کرد. او وقتی که هشت سالش بود عکس یک قایق را در کاتالوگ کشتیرانی دید و تصمیم گرفت که حتماً آن قایق را بخرد. از پدرش پول قرض کرد و یک دستگاه چاپ خرید تا دستمال‌هایی با طرح قایق چاپ کند و به کشتی‌ها بفروشد. نصف سودی که از فروش دستمال‌ها می‌برد را به جای قرض پدرش می‌داد و بقیه را پس‌انداز می‌کرد. جیک نه تنها آن قایق را خرید بلکه صاحب معروف‌ترین شرکت تولید دستمال‌های کشتیرانی شد و حالا روی طرح‌های جدید فکر می‌کند.



شیرمال‌های نوبرانه

درست است که اسم صفحه "نوجوان‌های جهان" است، اما از آنجایی‌که ایران هم یک نقطه از جهان محسوب می‌شود، تصمیم گرفتیم یکی از کارآفرین‌های ایرانی خودمان را هم به شما معرفی کنیم.

این روزها اگر قصد مسافرت تابستانه به سرتان بزنند و اگر از مسیر ساوه-همدان رد شوید، در یکی از شهرهای میان راه به اسم نوبران جایی را می‌بینید که جمعیت زیادی در ساعات مختلف روز جلوی آن صف کشیده‌اند.

شاید شما هم فکر کنید که طبق معمول دعوا شده یا اتفاق عجیبی افتاده که این همه آدم برای تهیه‌ی فیلم دور آن حلقه زده‌اند. اما کافی‌ست یک کم نزدیک‌تر شوید. بوهای خوبی به مشام‌تان می‌رسد و اصطلاحاً بو می‌برید قضیه از چه قرار است. این بوی خوب هم چیزی نیست جز بوی خوب شیرمال‌های داغ محلی.

"ابراهیم ایزنلو" پسر جوانی است که با پس‌اندازهایش این نانوايي سنتی را راه انداخته و حالا نه تنها خودش، بلکه خانواده و یکی دو نفر از نوجوان‌های همسایه را هم مشغول به کار کرده.

شاید برای شما هم جالب باشد که ببینید چند نفر نوجوان و جوان مشغول پختن شیرمال و کلوچه و نان سیب‌زمینی هستند، باروی خوش از مشتری‌ها استقبال می‌کنند، نان‌های خوشمزه را برای‌تان بسته‌بندی می‌کنند و شما را یاد این شعر می‌اندازند که «برو کار می‌کن مگو چیست کار...».

شاید اسم این کار خدمت به مردم باشد، شاید هم یک ایده اقتصادی. اما آن چیزی که مشخص است این است که ابراهیم یک کارآفرین موفق است که خیلی از شما می‌توانید از او الگو بگیرید.